

- (1) ظهراً لسياده بالعدل والاياله والنصفه والشفقه والاقبال
 (2) خلد الله تعالى للال عنائته و شففته و عدالته و اقباله الى يوم الدين را
 (3) خدمات موفور و دعوات نا محصور اتحاف داشته اشتياق و ارزومندی بشرف جديد
 (4) و رخصت است هذا مرفوع راى من آفتاب منور آنکه جناب
 امارت مابى سعادت اياى (5) زين الدين¹ شاه على بيك و اخوان را احوال بغايت پريشان
 ميكرد و با وجود اين در نساق شرايط (6) خدمتكارى بجای آورده و مى آورند و
 جزوى که از بلخ در وجه¹ منقطع² به ايشان رقم شده بود (7) بواسطه خرابى الكاء
 و كرانى و قحطى که دست داده چيزى بد ايشان عنايه نشده و غازيان حضرت
 امارت مابى¹ ديو سلطان³ (8) با وجود آنکه صاحب الكاست بغايت پريشان ميكرد
 فكيف احوال ديگران بنا برين جناب امارت مابى (9) مراد بيك بشرف خدمت ميرسد
 ترقب آنکه نظر عنایت و اشفاق ازو دريغ نفرمايند و الكاى که (10) بد ايشان شفقت
 شده و خانه و متعلقات ايشان در آنجاست بدستور بر ايشان مقرر دارند و تعبير
 ندهند که (11) وابسته بالتفات آنحضرت است و همواره با فرمان دولت جلالت مرفوع
 مهمات و ارسال مخاطبات (12) هميون گردانند زياده تصديق نميدهد ظل ظليل
 على لايزال بالخير والوفى⁴

¹ Ms. sic! Recte: زين الدين. ² Ms. sic! Recte: منقطع. Diese Lesung macht eine eventuelle Korrektur des Schreibers (ein nachträgliches eingetragenes ط über der Zeile) wahrscheinlich. ³ Hervorgehoben in Höhe der 6.-7. Zeile auf den Rand geschrieben; gehört hierher. ⁴ Die 12. Zeile wurde in drei voneinander deutlich getrennten Einheiten geschrieben.